

چاره‌ای برای همدارها و تگرانی‌ها

رضا خسروی

«همدار» و «تگرانی» دو کلیدواژه پر تکرار اقتصاد ایران است. کارشناسان با هر گرایش فکری و گروه‌های سیاسی و اجتماعی از طیف‌های متفاوت، در یکجا به اشتراک رسیده‌اند؛ درباره وضعیت جاری اقتصاد کشور «تگران» هستند و نسبت به آینده «همدار» می‌دهند. اما این اشتراک تا کنون نتوانسته به یک راه‌حل مدون منجر شود؛ به گونه‌ای که حتی یکی از چهره‌های مهم اجرایی مشورت با متخصصان اقتصاد را پرثمر نمی‌داند.

به نظر می‌رسد تضاد موجود میان کارشناسان و گروه‌های سیاسی و حتی ارکان درون قدرت، مانع از همگرایی برای رسیدن به یک ایده واحد به منظور خروج از وضعیت کنونی شده است. البته این تششت از گذشته وجود داشته و همواره در مسیر پیشرفت کشور عامل اختلالی بوده است. اما در دوره‌ای که اقتصاد ایران با تهدیدهای بیرونی مواجه است، تفرقه و منازعه‌های تحمل‌شده از بخش سیاست می‌تواند پیامدهای سنگین تری در مقایسه با قبل داشته باشد. بنابراین در این مقطع انسجام و اتحاد فکری اهمیت دو چندانی در خروج از تنگناهای درونی و بیرونی دارد. برای شکست این فضای نامنسجم راهکارهای متفاوتی از «مطالبه‌گری اجتماعی» تا «جماع‌سازی در درون حاکمیت» مطرح شده است؛ اما زمانبر بودن اولی در حالت اورتزاسی کنونی و اگرایی شدید میان طیف‌های سیاسی، همواره مانع اصلی دوره‌حل مذکور بوده است. بنابراین در مقطع کنونی باید مسیر میانبری پیدا کرد که هم بتواند بر شکاف‌ها و تششت موجود در فضای سیاسی غلبه کند و هم متناسب با فوریت‌ها و اقتضائات اقتصاد ایران از قدرت و انکش سریع ردا داشته باشد.

یافتن چنین مسیری در قالب شورای هماهنگی اقتصادی آزمون شده، اما ترسیم استراتژی‌های این شورایانیازمند تهیه یک «فریم» از ریشه مسائل اخیر و تعیین سهم عوامل متعدداست.

در چارچوب این فریم ابتدا باید سهم عوامل بیرونی و داخلی در مشکلات و گرفتاری‌های امروز مشخص شود. در ریشه یابی عوامل داخلی سهم سیاست و اقتصاد باید تفکیک و در آخر وزن دولت و سایر قوا در مشکلات موجود سنجیده شود. چنین اقدامی علاوه بر شفاف شدن عوامل ناتوانی در اصلاح اقتصادی، به پاسخگویی همسنگ منجر خواهد شد. به این معنی که مرحله شناخت و تفکیک مشکل، خود زمینه را برای اجماع د رخصوص راه‌حل‌ها فراهم می‌کند. در این حالت دیگر تمامی انگشت‌ها به سوی دولت نشانه نخواهد رفت و مجموعه حکمرانی با احساس مسوولیت بیشتری برای کمک به حل مشکلات وارد گود خواهد شد. چنین مطالعه و اقدامی می‌تواند پشتیبان و زیر بنای شورای هماهنگی اقتصادی باشد که هدفش اتخاذ سیاست‌های بهینه و موفقیت اصلاحات اقتصادی از طریق ایجاد هماهنگی دولت با نهادهای حاکمیتی فراقولت است. این مطالعه در تعیین راهبردها و جهت‌های سیاستی به شورا کمک قابل ملاحظه‌ای می‌کند تا بتواند در زمان محدود کنش و واکنش مناسبی به اتفاقات پیرامونی داشته باشد.

برای کارآمدی و تقویت اثر بخشی شورا ابتدا باید ارکان پژوهشی هر سه قوه از طریق تبادل نگاه با یکدیگر و سایر بازیگران اقتصادی، به یک درک واحد از عوامل دخیل در وضعیت موجود برسند و براساس آن مسیر حرکت شورا طراحی شود. در صورتی که کشور در این فرآیند به درک منسجم و واحدی از ریشه مشکلات نرسد، قدرت برنامه‌ریزی متمرکزی که اقتصاد را در سریع‌ترین راه از دام معضلات برهاند به میزان بیشتری فراهم است. در غیاب چنین همکاری و همفکری، شورای هماهنگی بسسته به نیاز هر دستگاهی و بدون در نظر داشتن عوامل پسینی و پیشینی اقدام به تصمیم‌گیری می‌کند که این خود ناسازگار با شرایط اضطراری فعلی است.

البته در کنار این تعریف، جایگاه قانونی، حدود و اختیارات شورا و انتشار مصوبات به صورت کامل لازمه‌های این نهاد جدید نظام حکمرانی هستند. روشن شدن جایگاه و دایره اختیارات، همراهی دستگاه اجرایی و نظارتی را نیز افزایش خواهد داد؛ در غیر این صورت پس از مدتی مصوبات شورا علاوه بر آنکه به حجم بوروکراسی اضافه می‌کند با مقاومت در بدنه اجرایی روبه‌رو می‌شود. بنابراین اگر قرار است مسیر میانبری انتخاب شود، باید لوازم، انتخاب مسیر و نحوه حرکت مناسب در آن هم مشخص شود تا از طریق این مسیر میانبر هم با سرعت بیشتری اقتصاد را از دام «تگرانی‌ها» برهانیم و هم «همدارهای» کارشناسان را برای خروج از بحران همسنگ کنیم.

ضرورت شفاف‌سازی و پاسخگویی بیش از پیش مطرح است؛

تعیین مابه‌التفاوت نرخ فروش ارز در بودجه



ژاله زارعی

دولت در راستای بودجه‌ریزی عملیاتی، با ارائه بودجه ۹۷، ردیفی را به «مابه‌التفاوت نرخ فروش ارز حاصل از فروش نفت خام و میعانات گازی» بر درآمدهای متفرقه اختصاص داد اما پس از تصویب، ردیفی در بودجه یافت نشد.

ردیف بودجه «مابه‌التفاوت نرخ فروش ارز حاصل از فروش نفت خام و میعانات گازی» در دولت هفتم و هشتم در بخش واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (درآمدهای نفتی) در نظر گرفته می‌شد. اما در دولت نهم و دهم و به دنبال آن دولت یازدهم، این ردیف حذف گردید و بدون آنکه در بودجه ردیف مشخصی برای این منبع در آمدی تعریف شده باشد از آن به عنوان بخشی

از در آمد حاصل از واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای استفاده گردید. اما، دولت دوازدهم در راستای پیاده‌سازی بودجه‌ریزی عملیاتی، در اقدامی شایسته هنگام ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۹۷، ردیفی را به «مابه‌التفاوت نرخ فروش ارز حاصل از فروش نفت خام و میعانات گازی» در بخش درآمدهای متفرقه اختصاص داد.

به بیان ساده، این ردیف از لایحه بودجه، به این موضوع اشاره داشت که دولت منابع ارزی حاصل از فروش نفت را در اختیار بانک مرکزی قرار داده و با قیمت ارز مبادله‌ای نرخ پایه‌ای تعریف شده در قانون بودجه سالانه برای نرخ (ارز)، معادل ریالی آن را دریافت می‌کند. اما قیمت ارز مبادله‌ای یک پیش‌بینی است و ممکن است ارز بین بانکی یا بازار آزاد با نرخ متفاوت از این عدد معامله

شوند. لذا باید دولت در ردیفی از بودجه، در آمد حاصل از این تفاوت قیمت را لحاظ نماید. البته، کارشناسان بر این باورند که دولت بخشی از ارز خود را به واسطه بانک مرکزی با قیمت ارز در بازار آزاد به فروش می‌رساند و در آمد ناشی از تفاوت قیمت ارز مبادله‌ای تا مداخله‌ای را از بانک مرکزی برای پوشش کسری بودجه، طلب می‌کند. از این رو، برای ممانعت از عدم شفافیت، باید میزان این منبع در آمدی و محل هزینه آن مشخص گردد. در صورت انجام این اقدامات، دولت می‌تواند برای این عدد مشروط به داشتن مجوز، محل هزینه تعریف کند.

مشخص کردن مجدد این منبع در آمدی در بودجه از اقدامات مهم دولت بود. اما پرسش بسیاری از کارشناسان، این بود که چرا این ردیف در

دولت در راستای بودجه‌ریزی عملیاتی، با ارائه بودجه ۹۷، ردیفی را به «مابه‌التفاوت نرخ فروش ارز حاصل از فروش نفت خام و میعانات گازی» در درآمدهای متفرقه اختصاص داد اما پس از تصویب، ردیفی در بودجه یافت نشد

لایحه بودجه، در بخش «سایر درآمدها» درج شده است؟ آنها بر این باور بودند که تبدیل منابع ارزی حاصل از صادرات نفت به ریال اساساً در زمره درآمدهای نفتی است؛ پس باید در بخش واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای ثبت گردد. البته

شواهد حاکی از آن است که بر اساس مذاکرات صورت گرفته بین کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی و نماینده دولت، ردیف بودجه «مابه‌التفاوت نرخ فروش ارز حاصل از فروش نفت خام و میعانات گازی» به صورت مجزا مانند آنچه بایان عنوان در لایحه‌ارسالی پیشنهاد گردیده بود ثبت نگردید و در نهایت مقرر گردید این بخش از درآمدهای دولت در زیر بخش «درآمدهای حاصل از مالکیت دولت» در بند «سود سهام شرکت‌های دولتی» ردیف مربوط به بانک مرکزی (ردیف ۲۷۶۰۰) در نظر گرفته شود.

برای بررسی صحت این موضوع پیوست شماره سه بودجه شرکت‌های دولتی، بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت قوانین بودجه دهه ۹۰ موردارزی قرار گرفت. شواهد آماری نشان می‌دهد سود ویژه و مالیات بانک مرکزی در قانون بودجه سال ۱۳۹۷ به میزان ۷۱۸ درصد رشد داشته است. این در حالی است که این متغیر هادر قانون بودجه سال ۱۳۹۶، از کاهش به میزان ۴۷ درصد برخوردار بوده‌اند. علاوه بر این، میانگین رشد درآمدهای بانک مرکزی در قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۶ معادل ۱۳ درصد بوده و حتی در برخی سال‌ها روند این متغیر نزولی بوده است (سسال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶). با این وجود، درآمدهای بانک مرکزی در قانون بودجه ۱۳۹۷ از رشدی معادل ۳۱۷ درصد برخوردار بوده است. این شواهد همگی مؤید آن هستند که متغیری برون‌زا توانسته است این میزان رشد را برای این ردیف از قانون بودجه فراهم آورد. به گونه‌ای که، «مابه‌التفاوت نرخ فروش ارز حاصل از فروش نفت خام و میعانات گازی» که می‌توانست به صورت شفاف در یک ردیف مجزا در قانون بودجه سال

دولت منابع ارزی حاصل از فروش نفت را در اختیار بانک مرکزی قرار داده و با قیمت ارز مبادله‌ای (نرخ پایه‌ای تعریف شده در قانون بودجه سالانه برای نرخ ارز)، معادل ریالی آن را دریافت می‌کند. اما قیمت ارز مبادله‌ای یک پیش‌بینی است و ممکن است ارز بین بانکی یا بازار آزاد با نرخ متفاوت از این عدد معامله شوند

جاری تبیین گردد متأسفانه به صورت غیر شفاف در بخش بودجه شرکت‌های دولتی در ردیف ۲۷۶۰۰ به صورت ترکیب با در آمد، مالیات و سود ویژه بانک مرکزی درج شده است.

ثبت این ردیف در این بخش از قانون بودجه، می‌تواند به عنوان نقطه ضعف در تدوین قوانین بودجه به حساب آید و ابهاماتی را به دنبال داشته باشد. از این رو، امید بر آن است که با توجه به شرایط کنونی نرخ ارز در بازار آزاد و تفاوت معنی‌دار آن با نرخ ارز مبادله‌ای تبیین شده در قوانین بودجه و به دنبال آن کسب میزان در آمد قابل توجه دولت از این محل، مجلس و دولت بتوانند این بخش از بودجه را به صورت کاملاً شفاف در ردیفی مجزا ثبت نمایند. در صورت اتخاذ این رویکرد می‌توان انتظار داشت محاسبه وابستگی بودجه و سهم نفت در آن واقعی‌تر بوده و با تعریف ردیف‌های هزینه کرد برای این در آمد، شهات موجود در زمینه نحوه استفاده دولت از این منبع در آمدی کاهش یابد.

خبر

در سامانه خدمات دولت انجام می‌شود

ثبت نام کارت سوخت از فردا

ثبت نام مالکان خودرو و موتورسیکلت فاقد کارت سوخت از فردا ساعت ۸ به صورت الکترونیکی در سامانه خدمات دولت همراه و اپلیکیشن خدمات دولت آغاز می‌شود.

به گزارش ایسنا، شرکت ملی پالایش و پخش فراآورده‌های نفتی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد ثبت نام مالکان خودرو و موتورسیکلت فاقد کارت سوخت از فردا ساعت ۸ به صورت الکترونیکی در سامانه خدمات دولت همراه به نشانی www.mob.gov.ir و اپلیکیشن خدمات دولت همراه، با نصب آن در گوشی‌های هوشمند تلفن همراه در دسترس عموم قرار می‌گیرد.

در این اطلاعیه آمده است؛ ورود به سامانه‌های اینترنتی براساس آخرین رقم شماره سمت راست تلفن همراه مالکان خودرو، انجام و از فردا با شماره ۱۹۹ آغاز می‌شود. در هیچ یک از مراحل ثبت نام چه به صورت حضوری در دفاتر پلیس ۱۰۰ و چه به صورت اینترنتی، نیازی به ارائه رمزهای کارت‌های بانکی نیست.

بر اساس این گزارش، این شرکت پیش از این، از قطعی شدن بازگشت کارت سوخت خبر داده و ضرب‌الاجل ۲۱ روزه‌ای را از سوم تا ۲۴ آذرماه برای ثبت نام کارت سوخت المثنی برای مالکانی که فاقد کارت کارت سوخت هستند تعیین کرده بود.

روش‌های ثبت نام کارت سوخت

به‌طور کلی سه روش را برای ثبت نام کارت سوخت المثنی معرفی شده است؛ روش نخست ثبت نام مالکان خودرو یا موتورسیکلت فاقد کارت سوخت با مراجعه حضوری به دفاتر پلیس ۱۰۰ بود که از شنبه ۱۳ آذرماه با ارائه مدارک لازم طبق ضوابط جاری آغاز شد.

روش دوم مراجعه به سامانه خدمات دولت همراه به نشانی www.mob.gov.ir و ورود به گزینه درخواست کارت سوخت المثنی و ثبت اطلاعات است که این سامانه از ۵ آذرماه در دسترس عموم قرار می‌گیرد و ثبت اطلاعات در این سامانه رایگان است.

اقدام پنهانی اوپک برای دور زدن ترامپ

هستند زیرای پس از سوابی قتل جمال خاشقچی، خبرنگار منتقد ریاض در کنسولگری عربستان در استانبول، از محمد بن سلمان، ولیعهد این کشور دفاع کرده است. اوپک برای محدودیت عرضه آماده شده زیرا این گروه معتقد است بازار نفت در سال میلادی آینده دچار اشباع عرضه خواهد شد. قیمت‌های نفت از ماه میلادی گذشته به دلیل نگرانی‌ها نسبت به فرارفتن میزان عرضه از تقاضا بیش از ۳۰ درصد ریزش کرده است. اما ترامپ در آستانه نشست رسمی اوپک در ششم دسامبر، از این گروه خواسته

اوپک و عربستان سعودی ظاهراً در تدارک کاهش تولید نفت خود هستند اما تلاش خواهند کرد برای اجتناب از خشمگین کردن رییس جمهور آمریکا میزان این کاهش را پنهان کند.

این استراتژی که از سوی منابع آگاه در اوپک و عربستان به وال استریت ژورنال توضیح داده شده است، ایجاب می‌کند که عربستان سعودی به تنهایی میزان تولید خود را حداکثر یک میلیون بشکه در روز کاهش دهد.

سعودی‌ها گویا نگران عبور از ترامپ

ترامپ گفت: پس از آمریکا، عربستان سعودی بزرگ‌ترین کشور تولیدکننده نفت در جهان است. آن‌ها با ما همکاری نزدیکی داشتند و به درخواست‌های ما برای حفظ قیمت نفت در سطوح منطقه‌ای برای دنیا بسیار مهم است، پاسخگو بودند.

یک مقام اوپک به وال استریت ژورنال گفت: اوپک قصد دارد کاهش ۱.۴ میلیون بشکه در روز تولید نفت را اعلام کند اما از این کاهش به عنوان پایبندی به سهمیه تولید پیمان سال ۲۰۱۶ یاد خواهد کرد.

تولید کنندگان نفت محدودیت عرضه خود را در ژانویه سال ۲۰۱۷ به منظور پایان دادن به اشباع عرضه جهانی و تقویت قیمت‌ها آغاز کردند. این سیاست موفق شد مازاد موجود در بازار را حذف کرده و

قیمت‌ها را بالا ببرد. با این حال این گروه در ژوئن تحت فشار ترامپ در آستانه بازگشت تحریم‌های واشنگتن علیه ایران موافقت کرد میزان تولید خود را مجموعاً یک میلیون بشکه در روز افزایش دهد.

اما قیمت نفت که در اکتبر به دلیل نگرانی‌ها نسبت به پیامدهای تحریم‌های آمریکا علیه ایران و عدم توانایی اوپک برای جبران افت عرضه ایران به بالاترین رکورد در چهار سال گذشته صعود کرده بود، پس از این که آمریکا به هشت خریدار برای ادامه خرید نفت از ایران معافیت موقتی اعطا کرد و خطر کمبود عرضه را رفع کرد، روند نزولی پیدا کرد و تولید کنندگان اوپک را برای جلوگیری از تکرار بحران نفتی سال ۲۰۱۴ تحت فشار قرار داد.